



## بررسی عوامل افت تحصیلی در کشورهای رو به توسعه

پوهنوال محمد خالد حبیبی<sup>۱</sup> عبدالعزیز آزاد<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup>دپارتمنت فلسفه و جامعه شناسی، پوهنځی علوم اجتماعي، پوهنتون کابل، کابل، افغانستان

<sup>۲</sup>محلل دوره ماستري رشته جامعه شناسی، پوهنځی علوم اجتماعي، پوهنتون تعليم و تربيه کابل، کابل، افغانستان

ایمیل: [khalid\\_de@yahoo.com](mailto:khalid_de@yahoo.com)

### چکیده

مفهوم افت تحصیلی در آموزش و پرورش از دانش اقتصاد اقتباس شده است. از این دیدگاه، آموزش و پرورش به صنعتی تشبیه می‌شود که به دلیل افت تحصیلی، بخش بزرگی از سرمایه کشور را که باید به‌عنوان یک محصول نهایی (سرمایه انسانی) به ثمر برسد، هدر داده و به نتیجه مطلوب و مورد انتظار جامعه دست نمی‌یابد. از منظر جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، افت تحصیلی یکی از مسائل مهم نظام‌های آموزشی است که در ارتباط با کل نظام اجتماعی از اهمیت خاصی برخوردار است. هدف اصلی این تحقیق بررسی مفهوم افت تحصیلی و شناسایی عوامل مؤثر بر آن می‌باشد. روش تحقیق این مقاله از نوع روش تحقیق مروری است. نتایج نشان می‌دهد که تکرار پایه تحصیلی در یک دوره مشخص و ترک تحصیل پیش از اتمام دوره معین، هر دو از جمله موارد افت تحصیلی محسوب می‌شوند و به نوعی اتلاف زمان به حساب می‌آیند. این روند تحت تأثیر عوامل متعددی قرار دارد، از جمله مشکلات موجود در سازمان‌های آموزشی، مسائل مرتبط با آموزگاران، کاستی‌های دانش آموزان، و همچنین عوامل بیرونی (سیاسی، اقتصادی و خانوادگی).

**کلمات کلیدی:** افت تحصیلی؛ آموزش و پرورش؛ انفجار تحصیلی؛ توسعه؛ نهاد اجتماعی

## Investigation of the Factors Contributing to Academic Failure in Developing Countries

Mohammad Khalid Habibi<sup>1</sup>, Abdul Aziz Azad<sup>2</sup>

<sup>1</sup>Philosophy and Sociology Department, Social Sciences Faculty of Kabul University  
Afghanistan

<sup>2</sup>Master's Student in Sociology, Faculty of Social Sciences, Education Kabul University,  
Kabul, Afghanistan

Email: [khalid\\_de@yahoo.com](mailto:khalid_de@yahoo.com)

### Abstract

The concept of academic failure in education is derived from economics, where education is likened to an industry. Due to academic failure, a significant portion of a country's resources, which should be transformed into a final product (human capital), is wasted, failing to meet the expected outcomes for society. From the sociology of education perspective, academic failure is a critical issue within educational systems that holds particular significance in relation to the broader social framework. This research aims to define academic failure and identify the factors influencing it. The study employs a library-based review method. The findings indicate that grade repetition within a defined academic period and dropping out before completing a specific cycle are both categorized as academic failure and represent a loss of time. Various factors contribute to this phenomenon, including issues within educational institutions, challenges posed by teachers, deficiencies among students, and external influences (political, economic, and familial factors).

**Key words:** Academic Failure; Education; Educational Explosion; Development; Social Institution

ارجاع: حبیبی، م.، خ.، آزاد، ع. (۱۴۰۳). بررسی عوامل افت تحصیلی در کشورهای رو به توسعه. ژورنال علمی-تحقیقی

علوم اجتماعي پوهنتون کابل، ۱۳۷، ۱۲۳-۱۳۸. <https://doi.org/10.62810/jss.v7i3.62>

## مقدمه

چنانچه می‌دانیم آموزش و پرورش در جهان امروز از اهمیت به‌سزای برخوردار بوده و هم افراد آن‌را عامل تحقق آرزوهای خود می‌داند و هم جامعه، همچنان دولت‌مردان و برنامه‌ریزان نیز آن‌را عامل تحقق اهداف خویش محسوب می‌کنند. از جانب دیگر حق آموزش و پرورش یکی از اساسی‌ترین و مهم‌ترین حقوق افراد بوده که یک نظام آموزشی مطلوب باعث شگوفایی ابعاد معنوی و مادی انسان‌ها شده و سرمایه انسانی جامعه را تقویت می‌نماید و همچنان فرهنگ جامعه را شگوفا ساخته و همبستگی اجتماعی را فراهم نموده و به توسعه جامعه در ابعاد گوناگون آن می‌انجامد. آموزش و پرورش از همان آغاز زندگی گروهی انسان و در پاسخ به نیاز حیاتی انسان‌ها در روابط متقابل، به‌شکل ابتدایی خود وجود داشته است، و از جمله قدیمی‌ترین نهادهای اجتماعی است. این نهاد در سیر تاریخی خود اشکال گوناگون را به خود اختیار نموده و بعد از انقلاب کبیر فرانسه و نشر اعلامیه حقوق بشر آموزش و پرورش ابتدایی شکل عمومی و اجباری را به خود اختصاص داده است. آموزش و پرورش در اوایل قرن بیستم به‌صورت یک نظام فراگیر، ابتداء در جوامع پیشرفته و متعاقب آن سراسر جوامع در حال پیشرفت را فراگرفته است و امروز جامعه ای نیست که این نظام نقش در تحول و پیشرفت آن نداشته باشد.

اما نهاد آموزش و پرورش نیز مانند تمامی نهادهای اجتماعی دیگر به علت کمبودی‌ها و کاستی‌ها و یا عوامل درونی و بیرونی دیگر دچار سوء کارکرد می‌شود، به‌طوری‌که نتواند بخشی از کارکردهای خود را به درستی به انجام رساند و در نتیجه سرمایه‌های بزرگی را که از جانب دولت و مردم را که در اختیار آن قرار داده شده تلف نماید و نتیجه مطلوب و مورد انتظار را به بار نیاورد. از جمله مواردی که می‌تواند سبب این نوع سوء کارکرد در نهاد آموزش و پرورش گردد یکی هم تحت عنوان افت تحصیلی یاد می‌گردد. هر چند افت تحصیلی در همه کشورهای جهان در نظام آموزش و پرورش معمول است؛ ولی میزان آن نظر به عوامل مختلف فرق می‌کند. به باور جامعه‌شناسان افت تحصیلی کمتر از ۵ فیصد مسأله ساز نیست؛ اما اگر میزان افت تحصیلی از این فیصدی بیشتر باشد تبدیل به یک مسأله بزرگ در نظام آموزشی گردیده و سرمایه‌های کشور را به هدر می‌دهد. هم اکنون افت تحصیلی در مراکز آموزشی به‌صورت کمی و کیفی وجود دارد. صورت کیفی افت تحصیلی به یادگیری ناقص و ضعف علمی و بینشی دانش‌آموخته نظام آموزشی اشاره دارد که قادر نیست انتظارات جامعه و سازمان‌های اجتماعی را از خود به‌عنوان یک فرد تحصیل کرده برآورده سازد. صورت کمی افت تحصیلی به‌صورت‌های اخراج، ترك تحصیل، انصراف و مشروطی جلوه‌گر می‌شود که این امر آثار و پیامدهای ناگوار اجتماعی،

اقتصادی و فرهنگی برای فرد، جامعه و نظام آموزشی به همراه دارد. که ما در طی این مقاله به تحلیل و بررسی عوامل افت در کشورهای رو به توسعه می‌پردازیم.

### روش تحقیق

روش تحقیق این مقاله براساس هدف تحلیلی-تبیینی و براساس جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها، اسنادی و براساس ماهیت داده‌ها کیفی بوده که با استفاده از منابع کتبی معتبر، مانند کتاب‌ها و مقالات معتبر بین‌المللی اطلاعات و داده‌ها جمع‌آوری شده و تلاش صورت گرفته است تا عوامل تأثیرگذار بالای افت تحصیلی در کشورهای رو به توسعه را تجزیه و تحلیل نماید. در نگارش این مقاله، تمام مراحل تحقیق به صورت منظم و گام‌به‌گام انجام شده است که شامل گردآوری منابع، ترتیب و طبقه‌بندی موضوعات به شکل علمی و منطقی، بررسی کلمات کلیدی و اصطلاحات تحقیق، یادداشت‌برداری از اطلاعات مهم و اساسی مرتبط با موضوع، ساده‌سازی، تشریح، تجزیه و تحلیل اطلاعات، و نتیجه‌گیری می‌باشد. در انتخاب منابع، تلاش شده است تا از جدیدترین تحقیقات و مقالات علمی مرتبط با موضوع استفاده شود تا محتوای مقاله از اعتبار و جامعیت لازم برخوردار باشد.

### آموزش و پرورش از دید جامعه‌شناسی

از دید جامعه‌شناسی آموزش و پرورش دو معنای خاص را می‌رساند در یک معنا تربیت یا پرورش را به معنای پروراندن نیروهای جسمی و روحی نیک و مطلوب برای زندگی در جامعه سیاسی به کار برده اند و در معنای دومی بیان‌کننده افزایش سطح دانش، اطلاعات و معلومات در مقیاس ملی یعنی آموزش عمومی است. در مفهوم اول منظور فراگرفتن قواعد رفتار اجتماعی و اجتماعی شدن است و در مورد دوم به آموزش علوم و فنون اطلاق می‌شود. چنانچه آگوست کنت بنیان‌گذار علم جامعه‌شناسی به این باور است که «پیشرفت و ترقی بشر بستگی کامل به آموزش و پرورش دارد و به همین جهت آموزش و پرورش عمومی را ضروری می‌داند و گفته است که هدف از تربیت تنها پرورش نیروی ذهنی کودک نیست؛ بلکه باید تعلیم حس عاطفه و محبت او را نسبت به هم‌نوع و هم‌چنین حس تفاهم بین افراد را پرورش دهد» (راسخ، ۱۳۵۰، ص ۲۱). از گفته‌های بالا بر می‌آید که آموزش و پرورش عمومی نه تنها که سبب توسعه اقتصادی می‌گردد؛ بلکه می‌تواند در توسعه بشری نیز نقش عمده‌ای را بازی کرده و سبب گردد تا انسان‌ها در روابط اجتماعی شان با همدیگر همگام و هم‌نوا گردند. «آموزش و پرورش رسمی معمولاً مخصوص جوامع متمدن است؛ اما در واقع همیشه روش‌های آموزشی و تربیتی در میان آدمیان وجود داشته است» (بارز، ۱۳۸۴، ص ۱۳۵). چون انسان‌ها در جامعه زندگی می‌کند و عوامل و عناصر

متعددی همچون اشیاء، محیط طبیعی او را محصور کرده و باورها، ارزش‌ها و هنجارها، آداب و رسوم اجتماعی نیز انسان را متأثر می‌سازد. «مکتب با اجتماعی کردن به یگانه‌سازی می‌پردازد، و با گزینش تقسیم می‌کند» (کاوی، ۱۳۷۹، ص ۵۶). انسان در ارتباط به عناصر اطراف خودش است که قادر به رفع نیازهای اجتماعی خویش می‌گردد. در تحت همین شرایط است که به اثر انباشت تجربیات انسان نهادهای اجتماعی پدید می‌آیند و دوباره بر انسان حاکمیت می‌کنند. پس زندگی اجتماعی انسان‌ها پیوسته در ارتباط با این نهادها است. «ابن سینا مهمترین و اصلی‌ترین هدف تعلیم و تربیت را رسیدن فرد و جامعه به سعادت و کمال می‌داند... او تعلیم و تربیت را رشد عقل و راهی برای رسیدن به خدا می‌داند» (خلیلی، ۱۳۹۰، ص ۳). آموزش و پرورش یکی از با ارزش‌ترین نهادهای اجتماعی است که با ماهیت انسانی، تکوین شخصیت انسان و زندگی اجتماعی او رابطه مستقیم دارد و با هر گونه تحریک و دگرگونی اجتماعی در تعامل است. طوری که لستروارد جامعه‌شناس امریکایی باور دارد که «آموزش و پرورش در پیشرفت اجتماع اثر فراوان دارد و هرگاه ذهن افراد بشر درست پرورش یابد، قادر به رفع کلیه مشکلات موجود در راه پیشرفت و ترقی اجتماعی است وی معتقد بود که علم و دانش کلیدی است که کلیه معماهای بشر را می‌گشاید و هرگاه توده مردم تربیت شده باشند قادر به استقرار یک نظم اجتماعی خواهند گردید که مصئون از بسیاری مفسد و بلاهای خطرناک باشد. وارد اعتماد فراوان به قوای ذاتی فرد دارد و معتقد است که بسط تعلیم و تربیه و همگانی ساختن آن موجب آن خواهد گردید که افراد وظیفه‌شناس و عاقل بارآیند و از ارتکاب خطا مصئون بمانند» (علاقه بند، ۱۳۸۱، ۱۶۴). آموزش و پرورش نهادی اجتماعی است که در ارتباط با سایر نهادهای اجتماعی در کنش و واکنش است. آموزش و پرورش از مهمترین و قدیمی‌ترین نهادهای اجتماعی است، هنجارها، قوانین و شرایط زندگی به فلسفه وجودی آموزش و پرورش، ضرورت داشته و هر جامعه بنا به نیازهای خود افراد را تربیت می‌کند. تمامی نهادهای اساسی اجتماعی مانند دین، خانواده، سیاست، اقتصاد و بالاخره تکنالوژی با آموزش و پرورش رابطه ناگسستگی دارند. زیرا «آنچه جامعه را می‌سازد خود فرد نیست بلکه مناسبات، کنش‌ها و واکنش‌های میان افراد است که در مرکز توجه قرار می‌گیرد» (زیباکلام، ۱۳۹۵، ص ۹۶). از طریق نهاد آموزش و پرورش است که نسل‌های انسانی تربیت شده و ارزش‌های اجتماعی از نسلی به نسلی دیگر انتقال پیدا می‌کند همان‌گونه که امیل دورکیم بیان می‌کند. «آموزش و پرورش فعالیت است که نسل بالغ درباره نسل که هنوز برای حیات اجتماعی نارس است به جای می‌آورد. موضوع این فعالیت عبارت است از برانگیختن و پروردن افکار و معانی و شرایط معنوی و مادی که

متقاضی حیات در جامعه سیاسی و محیط خصوصی است که طفل برای زندگانی در آن آماده می‌شود» (دورکهم، ۱۳۷۴، ص ۴۸).

با توجه به انفجار تحصیلی که در جوامع امروز نظر به دلایل مختلف در ارتباط به آموزش و پرورش به وجود آمده است هر روز که می‌گذرد احتیاج به منابع مالی بیشتر در امر آموزش و پرورش فزونی می‌یابد و این امر موجب می‌شود تا دولت‌ها در تأمین منابع مالی نظام آموزش و پرورش دچار مشکل می‌شوند. چنانچه بعد از جنگ دوم جهانی نهاد تعلیم و تربیه از جهت مخارج عظیم‌ترین فعالیت جهانی شده است و بودجه آن در سطح هزینه‌های عمومی جهان رقم دوم را بعد از بودجه نظامی تشکیل می‌دهد با وجود آن آموزش و پرورش اکنون جز اساسی هر کوشش است که به منظور رشد جامعه و پیشرفت بشر به عمل می‌آید و نیز مقام مهم و روزافزون در تنظیم سیاست‌های ملی و بین‌المللی احراز می‌کند. این امر توجه‌کننده اهمیت حیاتی بازدهی آموزشی، صرف نظر از شرایط محیط برای حفظ و افزایش ثروت ملی است.

آموزش و پرورش در اعصاب مختلف اشکال و معانی گوناگون را به خود اختصاص داده است که در ارتباط با شرایط عقیدتی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جامعه تحول نموده و هیچ گروه انسانی بدون آن نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد. نهاد آموزش و پرورش اساس ساختار جامعه را تشکیل داده و به بهبود وضعیت و شرایط زندگی همه انسان‌ها می‌انجامد. هر چند به باور دانشمندان آموزش و پرورش در نهایت سبب توسعه جامعه انسانی در ابعاد مختلف آن می‌گردد و کلیه ساختارها و مناسبات اجتماعی وابسته به این نهاد شمرده می‌شود، با آن هم جان دیویی دانشمند امریکایی در ارتباط به ارزش و اهمیت آموزش و پرورش از این هم فراتر رفته زندگی انسان را وابسته به این نهاد می‌داند به باور او تربیت را نباید به منزله آمادگی برای زندگی تلقی کرد؛ بلکه خود زندگی و رمز نیک بخت زندگی کردن و عمل مثبت انجام دادن دانست. «به اعتقاد او مکتب بازتاب جامعه نبوده؛ بلکه سازنده جامعه است» (کاشانی، ۱۳۸۱، ص ۲۲).

### رابطه آموزش و پرورش با جامعه

از این نکته نظر که عمده‌ترین موضوع مورد مطالعه جامعه‌شناسی مطالعه جامعه می‌باشد و جامعه متشکل است از نهادها، سازمان‌ها، طبقات و گروه‌ها اجتماعی است، بنابراین مطالعه نهادهای اجتماعی در صدر مطالعات جامعه‌شناسی قرار می‌گیرد تا معلوم گردد که تا چه حد ممکن است تا آن را از دیدگاه

جامعه‌شناسی مطالعه نموده و توضیح داد. آموزش و پرورش مانند هر نهاد دیگر یکی از جنبه‌های خاص از فعالیت‌های اجتماعی است که در همه ادوار و در همه جوامع وجود داشته است. در تمام ادوار و در همه جوامع، برنامه‌ریزان، آموزگاران و سیاست‌گذاران امور اجتماعی با توجه به نیازمندی‌ها و اهدافی که داشته‌اند، در تلاش بوده‌اند تا توانایی و شخصیت دانش‌آموز را متناسب با فرهنگ و نیازهای جامعه و برای عضویت فعال در جامعه آماده سازند. «از دیدگاه جامعه‌شناسی، تعلیم و تربیه و رابطه آن با جامعه و فرهنگ شایسته اعتنا است؛ زیرا که دانش‌آموزان نمی‌توانند به دور از گروه‌های اجتماعی پرورش یابند و شخصیت آنان نیز نمی‌تواند بدون کنش و واکنش‌های متقابل با محیط اجتماعی پرورش یابد. از این رو در مطالعه تعلیم و تربیه تأثیر محیط اجتماعی را باید مورد توجه قرار داد» (علاقه بند، ۱۳۸۱، ص ۱۷).

از همین جاست که توجه جامعه‌شناسی به نهاد آموزش و پرورش به خصوص بعد از انقلاب کبیر فرانسه و گسترش آموزش و پرورش عمومی در جهان اهمیت پیدا کرده است. از آن‌جا که در عصر جدید نهاد آموزش و پرورش کارکردهای متنوع را عهده‌دار گردیده و این کارکردها سبب توسعه در ابعاد مختلف آن می‌گردد، بسیاری از جامعه‌شناسان چه کلاسیک و چه جدید که بر جریان فکری این رشته مؤثر بوده‌اند از میان واقعیت‌های اجتماعی جوامع پیچیده جدید، برای آموزش و پرورش اهمیت قایل شده و مطالعه و تحقیق مداوم در باره سازمان‌ها، اهداف و برنامه‌ریزی این نهاد را توصیه کرده‌اند. در واقع آموزش و پرورش عمومی در جوامع امروز از لحاظ پاسخ‌گویی به مسایل اساسی چون پیچیده‌گی‌های سیاسی، اقتصادی، ایجاد نظم اجتماعی، نظارت و یگانگی اجتماعی، تغییرات و تحولات اجتماعی و حتی پیشرفت‌ها و گسترش تکنولوژی مدرن، چنان نقش موثری را ایفا کرده که انسان‌ها و جوامع معاصر را بدون شناخت مستمر آموزش و پرورش رسمی آن‌ها نمی‌توان درک کرد. اهمیت آموزش و پرورش ناشی از گسترش کارکردهای آن که به‌طور روزافزون آن را در مرکز توجه جامعه قرار داده و نظر همه طبقات و اقشار جامعه را صرف نظر از تفاوت‌های آن‌ها بدان جلب کرده است. دولت‌مردان، متخصصان، برنامه‌ریزان و مردم امروز به یک اندازه پی برده‌اند که سعادت، رفا اجتماعی و ترقی و توسعه ملت‌ها و تمدن‌ها و همچنان افراد به افزایش توانایی‌های ذهنی، خردآگاهانه و تخصص وابستگی دارند. به باور علمای علوم تربیتی و جامعه‌شناسان تربیتی دستیابی به توانایی ذهنی، مهارت‌ها و تخصص‌های عالی و بینش اجتماعی عمیق و پیچیده، عمدتاً در قلمرو نظام‌های رسمی تعلیمی و یادگیری میسر است.

از طرف دیگر، آموزش و پرورش عصری و پیچیده‌تر و هم‌چنان واقعیت‌های ناشی از آن، از راه مشاهدات سطحی و تقلید و یا هم به کمک شعور عادی دشوار و یا هم غیر ممکن است. از گفته‌های بالا بر می‌آید که این همه کارکردهای فراوان و پیچیده خود نظام آموزشی را نیز تبدیل به یک نظام پیچیده می‌سازد که فهم پیچیده‌گی‌های این نظام مستلزم مداخله کارشناسان و متخصصان است تا از طریق مطالعات و تحقیقات منظم تخصصی در این زمینه همکاری کنند. به همین دلیل است که در این اواخر جامعه‌شناسان نیز با علاقه و جدیت به بررسی، مطالعه و تحقیق در باره جایگاه و نقش آموزش و پرورش در جامعه پرداخته‌اند؛ زیرا در آن چشم‌اندازهای تازه‌ای برای فرضیه‌سازی، جمع‌آوری معلومات و گسترش دانش یافت می‌شود به همین ترتیب جامعه‌شناسان به تحقیقات گوناگون در زمینه نظام‌های آموزشی و روابط آن با ساختار اجتماعی، نظم اجتماعی، نهادها، جمعیت، طبقات اجتماعی و گروه‌های اجتماعی انجام داده‌اند. از اواسط قرن بیستم به این طرف صدها جامعه‌شناس در کشورهای مختلف جهان به مطالعه ماهیت و کارکردهای اجتماعی تعلیم و تربیه پرداخته‌اند که این مطالعات برای سازمان‌های آموزشی در جامعه اهمیت قابل توجه داشته است. و بالاخره گفته می‌توانیم که هدف از جامعه‌شناسی در مطالعه سازمان‌های آموزشی آنست تا نهاد آموزش و پرورش و نحوه تشکیل و سازمان‌پذیری و کارکردهای عمومی آن را در زندگی اجتماعی مطالعه کرد و روابط بین تعلیم و تربیه و جامعه را آشکار سازد. گسترش این‌گونه تحقیقات نشان‌دهنده این امر است که تحلیل‌های جامعه‌شناسی می‌تواند بسیار از مشکلات سازمان‌های آموزشی را آشکار نموده به توضیح و تحلیل بسیاری از مسایل و مشکلات نظام‌های تعلیمی کمک کند. چنان‌چه به باور جامعه‌شناسان یکی از مسائل مهم نظام‌های آموزشی امروزه مسأله افت تحصیلی است که ما در طی این مقاله بررسی آن می‌پردازیم.

### افت تحصیلی چیست

این مفهوم در آموزش و پرورش از نهاد اقتصاد وارد شده است. «کلمه افت از نظر لغوی به معنی کاستی و نقصان می‌باشد» (شفیعی، ۱۳۹۹، ص ۴۵). از این دیدگاه آموزش و پرورش به صنعتی تشبیه می‌شود که به اثر افت تحصیلی یک قسمتی بزرگی از سرمایه کشور را که باید به‌عنوان یک محصول نهایی (سرمایه انسانی) تبدیل کند به هدر داده و آن نتیجه مطلوب و مورد انتظار جامعه را به‌وجود نمی‌آورد. از این نظر که جامعه منابع و مخارجی بزرگی را در اختیار نهاد آموزش و پرورش قرار می‌دهد و از این نهاد توقع می‌رود تا مسیر توسعه را در ابعاد مختلف آن برای جامعه هموار سازد، آموزش و پرورش یکی از بزرگترین نهادهای اقتصادی جهان دانسته می‌شود. چنان‌چه گیدنز بیان می‌دارد «در همه

کشورهای جهان امروز، از جمله کشورهای جهان سوم آموزش و پرورش به صورت یک حوزه عمده سرمایه‌گذاری در آمده است» (گیدنز، ۱۳۸۳، ص ۴۶۱).

از دیدگاه جامعه‌شناسی یکی از مسائل مهم نظام‌های آموزشی که در رابطه با کل نظام اجتماعی از اهمیت ویژه برخوردار است، مسأله افت تحصیلی (Academic failure) می‌باشد. «در آموزش و پرورش انواع متعددی ضایعه وجود دارد. اما آنچه در همه این انواع مشترک است و تحت یک عنوان کلی می‌تواند مطرح باشد، عدم توفیق در تحقق هدف‌ها و مقاصد تربیتی است. به بیان کوتاه هر گونه عاملی که بازده کار مکتب، خانواده یا اجتماع را از لحاظ نیل به مقاصد تربیت کاهش دهد، نوع ائتلاف و ضایعه است» (معیری، ۱۳۸۵، ص ۲۸۵). تحقیقات و مطالعات آماری که در اکثریت جوامع انجام پذیرفته است، حاکی از مهم بودن این مسأله (چه در جوامع توسعه‌یافته و چه در جوامع رو به توسعه) است؛ زیرا از مطالعه میزان افت تحصیلی در جوامع می‌توان وضعیت آموزش و پرورش را در رابطه با بازدهی آن بررسی نمود؛ زیرا یگانه بازدهی نهاد آموزش و پرورش سرمایه انسانی است. هر چند این مشکل در نظام‌های آموزشی سراسر جهان عمومیت دارد؛ ولی در کشورهای رو به توسعه و کمتر توسعه‌یافته به نسبت فیصدی بلند آن گفته می‌توانیم که افت تحصیلی در این کشورها به یک معضل بزرگ تبدیل شده است. زیرا از یک طرف منابع و امکانات مادی و معنوی اکثریت کشورهای رو به توسعه در ذات خود ضعیف است و از طرف دیگر به دلیل رشد سریع جمعیت و عدم کنترل آن در این‌گونه کشورها بخش عمده از عاید ملی شان به علت انفجار تحصیلی به نهاد آموزش و پرورش اختصاص داده می‌شود؛ ولی به علت بالا بودن میزان افت تحصیلی در این کشورها بخش عظیم از سرمایه ملی آن‌ها به هدر می‌رود. براساس آمار ارائه شده از طرف سازمان یونسکو در سال‌های اخیر که ناظر به ابعاد مختلف سازمان‌های آموزشی کشورهای جهان است نرخ شکست شاگردان یا تکرار پایه تحصیلی آن‌ها را در کشورهای توسعه یافته ۲ فیصد و در کشورهای روبه توسعه ۱۸ در صد را نشان داده است، چنان‌چه قبلاً نیز ذکر شد هر گاه میزان افت تحصیلی در یک سطح پائین قرار داشته باشد سبب ایجاد مشکل در جامعه نخواهد شد؛ اما اگر میزان افت تحصیلی به حدی باشد که میان تعداد ثبت‌نام شونده‌گان یک دوره تحصیلی معین و بازدهی آن از حد معمول بیشتر بوده و تعادل را برهم بزند، مسئله افت تحصیلی به یک مشکل جدی اجتماعی تبدیل شده و باعث ایجاد پرابلم‌های اجتماعی بسیاری خواهد شد؛ بناءً باید برای بیرون رفت از آن مبارزه کرده و راه‌های حل را جستجو کرد.

افت تحصیلی هم‌اکنون در کشورهای رو به توسعه به دو صورت کمی و کیفی وجود دارد. صورت کیفی افت تحصیلی به یادگیری ناقص و ضعف علمی و بینشی دانش‌آموخته نظام آموزشی اشاره دارد،



که قادر نیست انتظارات جامعه و سازمان‌های اجتماعی را از خود به‌عنوان یک فرد تحصیل کرده برآورده سازد. صورت کمی افت تحصیلی به‌صورت‌های اخراج، ترک تحصیلی، انصراف و مشروطی جلوه‌گر می‌شود که این امر آثار و پیامدهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ناگوار برای فرد و نظام آموزشی و جامعه دارد.

با توجه به گفته‌های بالا افت تحصیلی به‌معنای کاهش بازدهی تحصیلی دانش‌آموزان، از آن حد نصابی است که مورد انتظار می‌باشد؛ بناءً تکرار پایه تحصیلی در یک دوره معین و ترک تحصیل پیش از پایان یک دوره معین، هر دو افت تحصیلی و ائتلاف زمان به حساب می‌آیند. به یک تعبیر کلی افت تحصیلی «به معنی هرگونه اختلالی که در روند تحصیل دانش‌آموزان پدید می‌آید دانسته می‌شود» (آهنچیان، ۱۳۸۵، ص ۱۴). تکرار پایه تحصیلی به این معنا است که یک شاگرد نظر به دلایل مختلف نمی‌تواند به صنف بالاتر راه یابد و این امر از یک طرف باعث کاهش میزان ثبت نام شاگردان واجد شرایط مکتب در یک دوره معین می‌گردد و از طرف دیگر هزینه‌های تعلیمی را در یک دوره معین بلند می‌برد. همچنان ترک تحصیل، به‌معنای ترک نمودن تحصیل قبل از پایان یک دوره معین تحصیلی بوده که باعث به هدر رفتن هزینه‌های تحصیلی میگردد البته این نوع ترک تحصیلی را ترک تحصیل زودرس نیز می‌گویند.

با در نظر داشت مباحث فوق افت تحصیلی را میتوان اینگونه تعریف کرد که «افت تحصیلی عبارت از تکرار پایه تحصیلی و ترک تحصیل زود رس در یک دوره معین تحصیلی در نظام تعلیم و تربیه یک کشور می‌باشد» (گلشن فومنی، ۱۳۷۳، ص ۱۶۶).

### عوامل افت تحصیلی

چنانچه قبلاً نیز اشاره نمودیم هرگاه میزان افت تحصیلی در یک جامعه از یک حد معمول آن تجاوز نماید، سبب ائتلاف بسیاری از منابع مهم در ساختار اجتماعی گردیده و پیامدهای مخرب را برای جامعه ایجاد خواهد نمود. از آنجایی که پیامدهای افت تحصیلی برای جامعه بسیار گران بار بوده و جبران آن زمان طولانی و مصارف گزاف را ایجاب می‌کند، بررسی علل و عوامل مؤثر بر آن و همچنین ارائه راهکارهای لازم برای رفع این مشکل بغرنج ضروری به نظر می‌رسد. «ضعف و کمبود در برنامه‌ها و روش‌ها یا خط‌مشی‌های اجرایی، عدم شایستگی و آموزده‌گی یا اهلیت کادر آموزشی، کمبود وسایل و نارسایی در محیط کار، عدم همکاری مکتب و خانواده و... مبانی مهم ائتلاف به‌شمار می‌آیند.

مضافاً شرایط اجتماعی و اقتصادی خانواده، شیوه و مقدار مراقبت خانواده در تربیت فرزند، روابط اجتماعی و فرهنگ جامعه و ... نیز به عنوان عوامل بیرون مرزی مکتب ممکن است سود بخشی فعالیت‌های تربیتی را کاهش داده و ضایعه و ائتلاف پدید آورند» (معیری، ۱۳۸۵، ص ۲۸۵). هر چند عوامل مؤثر بر افت تحصیلی از طرف دانشمندان و جامعه‌شناسان علوم تربیتی و جامعه‌شناسی کشورهای مختلف جهان هرازگاهی مورد توجه قرار گرفته و محققان عوامل متفاوتی را نظر به معضلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جوامع شان به عنوان عوامل مؤثر بر میزان افت تحصیلی نظام‌های آموزشی عنوان نموده اند؛ ولی در سطح جهانی این مسأله برای اولین بار در کنفرانس بین‌المللی آموزش و پرورش که در سال ۱۹۷۰ برگزار شد توجه دانشمندان و محققان علوم اجتماعی را به خود جلب کرده و موضوع بهبود بازدهی نظام‌های تعلیمی را از طریق کاهش میزان افت تحصیلی در همه سطوح مورد بررسی قرار دادند. در جریان این کنفرانس فرضیه‌های مختلفی از جانب محققان کشورهای شرکت‌کننده مطرح شد و عده‌ای از محققان عوامل افزایش افت تحصیلی را به فقر اقتصادی جامعه ارتباط داده و عامل عمده این مشکل را عوامل اقتصادی دانسته در حالی که، تعدادی دیگر علت اساسی افزایش میزان افت تحصیلی را به مشکلات اجتماعی جوامع شان ارتباط داده و از جمله شرایط خانواده‌گی را در این امر مهم دانسته‌اند «والدین که دارای مهارت‌ها و استعداد‌های ویژه‌ای هستند، می‌توانند با بهره‌رسانی مهارت‌های خود به نوع فرزندان کمک‌های ارزنده‌ای داشته باشند» (مفیدی، ۱۳۸۹، ص ۴۷). همچنان برخی دیگر ساختار نظام‌های آموزشی و کیفیت و کمیت آموزش و پرورش را در آن مؤثر دانسته‌اند با توجه به این که بعضی‌ها هم مسأله افزایش میزان افت تحصیلی را در ارتباط به ویژه‌گی جسمی و روحی دانش‌آموز و یا هم به کم توجهی دانش‌شاگردان مرتبط دانسته‌اند. آنچه که از گفته‌های فوق مستفاد می‌شود این است که در افزایش میزان افت تحصیلی یک عامل دخیل نبوده؛ بلکه عوامل متعددی در این مسأله دخیل می‌باشد و یا هم گفته می‌توانیم که نظر به ساختار اجتماعی کشورهای مختلف عواملی مختلف سبب افزایش میزان افت تحصیلی می‌باشد. زیرا «این جامعه است که آموزشی و پرورش را که مناسب می‌داند بر ما تحمیل می‌کند» (توسلی، ۱۳۸۶، ص ۴۴). جامعه‌شناسان آموزش و پرورش که هدف اصلی شان بررسی و مطالعه مشکلات ناشی از نظام آموزشی در رابطه با جامعه می‌باشد، نیز به آسیب‌شناسی عوامل افت تحصیلی پرداخته و از دید آن‌ها این عوامل را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد.

۱. عوامل که در ارتباط با سازمان‌های تعلیمی یک کشور خاص می‌باشد.
۲. عوامل که در ارتباط با معلم یا آموزگار می‌باشد.

۳. عوامل که در ارتباط با دانش‌آموزان یا شاگردان هستند.

۴. عوامل خارج از نهاد تعلیم و تربیه

در این بخش به هر یک از عوامل متذکره به صورت جداگانه می‌پردازیم.

**الف: عوامل که در ارتباط با سازمان‌های آموزشی اند:** به باور جامعه‌شناسان این دسته از عوامل ناشی از ساختارهای نظام‌های آموزشی می‌شوند، از آن‌جایی که در کشورهای توسعه‌یافته نظام آموزشی میزان افت تحصیلی خویش را بیشتر از حد معمول کاهش داده اند، پس گفته می‌توانیم که این عوامل بیشتر مربوط به ساختار نظام‌های آموزشی کشور رو به توسعه و کمتر توسعه یافته می‌باشد. طوری که حق آموزش از جمله حقوق اساسی هر شهروند است، هدف نظام آموزشی نیز فراهم آوردن امکانات تحصیلی برای همه افراد واجد شرایط آموزش در جامعه می‌باشد؛ ولی در کشورهای رو به توسعه و کمتر توسعه‌یافته نظام‌های آموزشی به علت کمبود امکانات مالی و اقتصادی قادر به این امر مهم نیستند؛ پس نظام‌های آموزشی این کشورها در ذات خود عامل افزایش افت تحصیلی به مفهوم عام می‌گردد. از جمله عوامل که از جانب سازمان‌های آموزشی کشورهای رو به توسعه باعث افزایش میزان افت تحصیلی می‌گردند، به عنوان نمونه به چند عامل آن می‌پردازیم. کمبود مکان یا همان صنوف درسی، با توجه به کثرت دانش‌آموزان مکاتب مجبور اند که تعداد بیش از حدی از دانش‌آموزان را پذیرفته و اجازه دهد تا افراد بیشتری چانس استفاده از امکانات آموزشی را داشته باشد به طور مثال در کشور ما افغانستان در یک صنف درسی حدوداً ۵۰ الی ۶۰ دانش‌آموز تنظیم گردیده است، که در نتیجه این سیاست سبب خواهد شد، صنوف مکاتب پرجمع شده و در نتیجه صدمه بزرگی بر کیفیت آموزشی وارد کرده و باعث افت تحصیلی دانش‌آموزان گردد. نه رسیدن به موقع بعضی از مواد و امکانات درسی که امکان زمان‌بندی لازم برنامه درسی را از آموزگار گرفته و باعث عدم تطبیق پلان ترتیب شده از طرف آموزگار می‌شود. نداشتن امکانات لازم و کافی آموزشی، به علت کمبود بودجه نظام آموزشی در کشورهای رو به توسعه که حتی برای تهیه ابتدایی‌ترین امکانات آموزشی نظیر تعمیر مکاتب، صنوف درسی، میز و چوکی، تخته... دچار مشکل اند این امر نیز یکی از عوامل پائین ماندن سطح کیفیت تدریس می‌گردد. استخدام معلمان غیر مسلکی و کم تجربه، سازمان‌های تعلیمی در کشورهای رو به توسعه به علت نیاز شدید به معلم مجبور هستند که افراد زیادی را به استخدام خود درآورند که به نوبه خود این مسئله عامل پائین آمدن کیفیت تعلیمی در این کشورها می‌گردد. نقص و نارسایی برنامه‌های آموزشی مشکل دیگری است که نظام تعلیمی این کشورها با آن روبرو اند. چنان‌چه «برنامه درسی مسیر

آموزشی دانش آموزان را تعیین می‌کند و دانستن مؤلفه‌های برنامه و نصاب و محتوای آن ضروری است» (تلوار، ۱۳۹۸، ص ۲۴). مهم‌ترین انتقادی که بر نظام تعلیمی کشورهای رو به توسعه وارد است این است که این برنامه‌ها بیشتر تقلیدی بوده و براساس اقتضای زمان و شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی اکثریت این کشورها نبوده و پاسخ‌گوی نیازهای این‌گونه جوامع نمی‌باشد. «در تعیین اهداف آموزشی تقلید از هدف آموزشی کشور دیگر به کلی نادرست و نامناسب است و باید هر کشوری باید خط سیر خود را چنان‌که با اوضاع حال و سود آینده او سازگار است تعیین کند» (بازر، ۱۳۸۶، ص ۲۱۳).

**ب. عواملی که در ارتباط با معلم یا آموزگار است:** نوسازی و بهبود نظام آموزش و پرورش بدون داشتن معلمان مناسب، مجرب و با صلاحیت شغلی امکان پذیر نیست، و گفته می‌شود «معلم است که سبب می‌گردد تا فراگیرنده را مشتاق یادگیری کند و با دخالت دادن در فرایند آموزش، او را به سوی یادگیری فعال سوق دهد» (احمد وند، ۱۳۸۵، ص ۹). یکی از عوامل مهم و مؤثر در بلند بردن کیفیت آموزش و پرورش که منجر به افزایش بازدهی تحصیلی می‌شود، درجه تحصیل، اهلیت شغلی و تخصص معلم است. چنان‌چه تخصص او در تعلیم و تربیه، آشنایی‌اش با روش‌ها و میتودهای تعلیمی، استعداد و رفتار شخصی، احساس و تعهدش نسبت به وظیفه معلمی و بهبود وضعیت اقتصادی معلم عواملی است که در این امر مؤثر واقع می‌شوند. اما دیده می‌شود که در کشور رو به توسعه کمتر به وضعیت آموزگار توجه صورت گرفته است که این امر موجب مشکلات زیادی در نظام‌های آموزشی گردیده و از جمله عوامل افزایش افت تحصیلی دانسته می‌شود و از جمله مواردی که در باب مطرح می‌گردد می‌توان از مسائل آتی نام برد. مشکلات اقتصادی معلم، تأمین اقتصادی معلم امروز در جهان و خصوصاً کشورهای رو به توسعه از اهم مشکلات است. «یکی از عوامل افت تحصیلی دانش آموزان معلم‌ها هستند دیده شده است تعدادی از معلمان در صنف شروع به شکایت از وضع بد مادی خود می‌کنند» (اسماعیلی نژاد، ۱۳۹۸، ص ۹). زیرا نظام‌های تعلیمی به علت کمبود منابع مالی از عهده چنین امر مهم بر نمی‌آیند، در نتیجه ضعف اقتصادی معلمان باعث کاهش کیفیت تعلیمی می‌گردد. بی‌توجهی معلمان نسبت به شاگردان بی‌علاقه به کسب علم موضوع دیگری است که در این جا می‌توان از آن یاد نمود، معلم که در زندگی شخصی خود به اثر کمبود امکانات اقتصادی با مشکلات زیادی مواجه است، توجهی به کیفیت کار نخواهد داشت، نسبت به شغل خود بی‌توجه بوده و نتیجه این عمل عبارت خواهد بود از تحویل دادن شاگردان ضعیف و کم تخصص به جامعه، چنان‌چه معلمان در یک سال در رابطه دروس در سازمان‌های تعلیمی بی‌توجهی نمایند، مسلماً که دانش آموزان در صنوف بعدی دچار مشکل

خواهند شد و نتیجه این کار تأثیر سوء گذاشتن در کیفیت تحصیل شده و باعث افزایش افت تحصیلی خواهد گردید.

ج. عواملی که ارتباط به شاگرد دارد: «تمامی فعالیت‌های که زیر چتر آموزش انجام می‌پذیرد به‌خاطر این است که مواد خامی را که به‌عنوان دانش آموز در اختیار دارد به محصولی تبدیل نماید که مفید به حال خود و جامعه باشد. اما برای این که مفید بودن برای جامعه تحقق پیدا کند باید دانش‌آموزان از خصوصیات و ویژگی‌های برخوردار باشند تا اثر آموزش بر آن‌ها مؤثر واقع شود. به عبارت دیگر مجموع عواملی در رابطه با دانش‌آموز در جریان تربیت نقش ایفا می‌نماید که آگاهی از آنان روند تربیت را تحت تأثیر قرار می‌دهد» (قاسم، ۱۳۹۰، ص ۱۳). از این رو خصوصیات فردی شاگرد نقش مؤثری در بازدهی تحصیلی آنان دارد، هرگاه فرد از لحاظ خصوصیات و ویژگی‌های جسمی و روحی دچار کمبودی و نواقص باشد این امر در افزایش میزان افت تحصیلی اثر دارد. به‌طور مثال کودکی که دارای نقص عضو است در محیط مکتب از لحاظ حضور بین دوستان دچار مشکل است و همین احساس ممکن است موجب کاهش در بازدهی تحصیلی او گردد. طوری که جان لاک بیان می‌دارد: «کسی که ذهن خود را عاقلانه هدایت نکند، هرگز به راه راست نمی‌افتد و کسی که بدنش معیوب و ناتوان باشد، هرگز نمی‌تواند در آن پیش برود» (مایر، ۱۳۹۶، ص ۳۱۰). همچنان مشکلات عاطفی ناسازگاری اجتماعی از مسائلی است که در این بخش می‌توان از آن یادآور شد اگر شاگرد از لحاظ محیط خانواده‌گی با یک وضعیت آرام و توأم با عواطف بار آمده باشد، این شاگرد از لحاظ تحصیلی موفق خواهد بود و در سازگاری اجتماعی با دیگران مشکل نخواهد داشت؛ اما اگر شاگرد از لحاظ عاطفی دچار کمبود باشد و این کمبود به شکل مشکلی ظاهر گردد، نتیجه عدم سازگاری شاگرد با دیگران و همچنان باعث افت تحصیلی او می‌گردد. نتیجه یک تحقیق در رابطه نشان می‌دهد که «دانش‌آموزان با عزت نفس بالا و حس اعتماد زیاد نسبت به توانایی خود، در مقایسه با دانش‌آموزان دارای عزت نفس پائین موفقیت تحصیلی بیشتری دارند» (شارح پور، ۱۳۹۴، ص ۱۹۸). سلامت روانی نیز یکی از مشکلات حاد فردی است اگر دانش‌آموزی دچار افسردگی، اختلال اضطراب اجتماعی و ... باشد، قطعاً نمی‌تواند در زمینه تحصیلی و کاری و هم‌چنین در زندگی عملکرد مؤثر و خوبی داشته باشد. پس عدم سلامت روانی می‌تواند باعث افت تحصیلی دانش‌آموزان گردد. به همین ترتیب می‌توان از بی‌دقتی و کم‌توجهی «عوامل چندی در بروز بی‌دقتی و بی‌توجهی نقش ایفا می‌کند که از جمله آن‌هاست، عدم علاقه و انگیزه، جالب نبودن محرک، وجود موانع و عوامل بازدارنده توجه»

(بخکی، ۱۳۸۶، ص ۷). نداشتن اعتماد به نفس، بی انگیزه‌گی برای تحصیل و مطالعه، نداشتن هدف مشخص برای تحصیل، عقب انداختن کارها و مدیریت زمان ضعیف، عدم استقلال فردی، گذراندن وقت زیاد با کامپیوتر، موبایل و فضای مجازی... از جمله عوامل اند که در افت تحصیلی دانش‌آموزان نقش دارند. چنانچه «نیازها، خواسته‌ها، و علایق، به علت آن‌که بر انگیزه افراد برای یادگیری مؤثر واقع می‌شوند، عوامل مثبتی به حساب می‌آیند» (میلر، ۱۳۸۶، ص ۱۱۱).

**د. عوامل خارجی:** به باور جامعه‌شناسان «در تحلیل و بررسی عوامل مؤثر بر افزایش میزان افت تحصیلی باید به مجموعه عوامل تأثیرگذار بر روند آموزش و پرورش به‌عنوان نظامی باز توجه کنیم و با دیدی مجموعه‌نگر به مطالعه بپردازیم. در این صورت نظام آموزش و پرورش در هر کشور نظامی است که از نهاد دیگر اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه متأثر است» (آقازاده، ۱۳۹۶، ص ۱۱). عوامل خارجی از جمله عوامل اند که از سایر نهادهای اجتماعی نظیر خانواده، اقتصاد، سیاست و فرهنگ متوجه نهاد تعلیم تربیه بوده و در کشورهای رو به توسعه به میزان بسیار زیاد نظام‌های آموزشی را متأثر می‌سازند. از آن‌جای که عوامل بیرونی یک بخش وسیع از عوامل را شامل می‌شود تحلیل و بررسی هر یک آن به‌طور جداگانه در این مقاله مقدور نمی‌باشد.

#### یافته‌ها

۱. افت تحصیلی یک از واقعیت‌های جوامع رو به توسعه و کمتر توسعه یافته بوده که به اشکال مختلف دامن‌گیر این نوع جوامع می‌باشد.
۲. هر گاه میزان افت تحصیلی در یک نظام آموزشی باشد سبب ایجاد مشکل نمی‌گردد؛ اما اگر این میزان از حد معمول آن تجاوز نماید مشکلاتی زیادی برای جامعه ایجاد خواهد نمود.
۳. افت تحصیلی به دو صورت کمی و کیفی وجود دارد. صورت کیفی افت تحصیلی به یادگیری ناقص و ضعف علمی و بینشی اشاره دارد، صورت کمی افت تحصیلی به صورت‌های اخراج، ترك تحصیل، انصراف و مشروطی جلوه‌گر می‌شود.
۴. در یک دیدگاه کلی عواملی افت تحصیلی را می‌توان به عوامل داخلی نظام آموزش و پرورش و عوامل بیرونی تقسیم‌بندی نمود.
۵. مشکلات ناشی از نظام‌های آموزشی، نواقص مرتبط با آموزگار و معضلات مربوط به شاگردان از جمله عوامل داخلی مؤثر بر افت تحصیلی دانسته می‌شود.

۶. عوامل بیرونی اثرگذار بر افزایش میزان افت تحصیلی عبارت اند از عوامل اقتصادی، سیاسی، خانواده‌گی و فرهنگی می‌باشد.

### نتیجه‌گیری

از آن‌چه گفته آمدیم چنین نتیجه گرفته می‌شود که آموزش و پرورش مانند هر نهاد دیگر یکی از جنبه‌های خاص از فعالیت‌های اجتماعی است که در همه ادوار و در همه جوامع وجود داشته است. اهمیت آموزش و پرورش ناشی از گسترش کارکردهای آن که به‌طور روزافزون آن را در مرکز توجه جامعه قرار داده و نظر همه طبقات و اقشار جامعه را صرف نظر از تفاوت‌های آن‌ها بدان جلب کرده است، آشکار می‌گردد. دولت‌مردان، متخصصان، برنامه‌ریزان و مردم امروز به یک اندازه پی برده‌اند که سعادت، رفا اجتماعی و ترقی و توسعه ملت‌ها و تمدن‌ها و همچنان افراد به افزایش توانایی‌های ذهنی، خردآگاهانه و تخصص وابستگی دارند. هر گاه نظام تعلیمی در یک جامعه به‌صورت درست و همه‌جانبه مدیریت نگردد سبب ایجاد مشکلات و معضلات گوناگون گردیده و سرمایه‌های کشور به هدر خواهد رفت. یکی از این معضلات مهم در نظام‌های آموزش و پرورش افت تحصیلی است، افت تحصیلی به‌معنای کاهش بازدهی تحصیلی دانش‌آموزان، از آن حد نصابی است که مورد انتظار می‌باشد؛ بناءً تکرار پایه تحصیلی در یک دوره معین و ترک تحصیل قبل از پایان یک دوره معین، هر دو افت تحصیلی و ائتلاف زمان به حساب می‌آیند. هر گاه میزان افت تحصیلی در یک جامعه از یک حد معمول آن تجاوز نماید، سبب ائتلاف بسیاری از منابع مهم در ساختار اجتماعی گردیده و پیامدهای مخرب را برای جامعه ایجاد خواهد نمود. دانشمندان و محققان در افزایش میزان افت تحصیلی عوامل مختلفی را دخیل می‌دانند که این عوامل نظر به ساختار اجتماعی جوامع می‌تواند به‌صورت‌های گوناگون ظهور نماید.

### پیشنهادات

۱. در رابطه با مسأله افت تحصیلی در کشور ما افغانستان باید تحقیقات میدانی صورت گیرد.
۲. سازمان‌های آموزشی کشور باید میزان افت تحصیلی خویش را در هر دوره تحصیلی محاسبه نموده و ارقام دقیق در این زمینه ارائه نمایند.
۳. عوامل افت تحصیلی در کشورما نیز مانند سایر کشورهای منطقه مطالعه گردیده و راه‌های بیرون رفت از این معضل باید جستجو گردد.

## منابع

- آقازاده، ا. (۱۳۹۶). آموزش و پرورش تطبیقی. چاپ پانزدهم، تهران: سمت.
- آهنچیان، م. ر. (۱۳۸۵). افت تحصیلی و رابطه آن با بنیادهای فلسفی آموزش و پرورش. *مجله روان شناسی و علوم تربیتی*. شماره ۲.
- احمدوند، م. (۱۳۸۵). درگیری فعالانه مساوی است با یادگیری مؤثر. *فصلنامه رشد معلم*، شماره ۹.
- اسماعیلی نژاد، م. ی. (۱۳۹۸). چگونه می‌توانیم از افت تحصیلی جلوگیری کنیم. کنفرانس علمی تعلیم و تربیت، پوهنتون فرهنگیان.
- بارز، ع. (۱۳۸۴). *جامعه شناسی تربیتی*. کابل: خاور.
- بارز، ع. (۱۳۸۶). *گفتارهای در زمینه جامعه، فرهنگ، آزادی و تعلیم و تربیه*. کابل: میوند.
- بخکی، ن. (۱۳۸۶). نقش اعتیاد در فروپاشی خانواده. *مجله ژرفای تربیت*، شماره ۱۹.
- توسلی، غ. ع. (۱۳۸۶). *جامعه شناسی و آموزش و پرورش*. چاپ دوم، تهران: علم.
- تلوار، ا. ا. و کمار، ت. (۱۳۹۸). *فلسفه آموزش و پرورش*. ترجمه ذبیح الله اسدی، کابل: سعید.
- خلیلی، س. (۱۳۹۰). بررسی تعلیم و تربیت اخلاقی از دیدگاه ابن سینا. *فصلنامه تاریخ پزشکی*، سال سوم، شماره هشتم.
- دورکهم، ا. (۱۳۷۶). *تربیت و جامعه شناسی*. ترجمه علی محمد کاردان، تهران: پوهنتون تهران.
- راسخ، ش. (۱۳۵۰). *تعلیم و تربیت در جهان امروز*. چاپ سوم، تهران: امیرکبیر.
- زیبا کلام، ص. (۱۳۹۵). *جامعه شناسی به زبان ساده*. چاپ ششم، تهران: روزنه.
- علاقه بند، ع. (۱۳۸۱). *جامعه شناسی آموزش و پرورش*. چاپ سی و یکم، تهران: نشر روان.
- شارح پور، م. (۱۳۹۴). *جامعه شناسی آموزش و پرورش*. چاپ سیزدهم، تهران: سمت.
- شفیعی، ص و دوستی، ا. (۱۳۹۹). بررسی دلایل افت تحصیلی دانش آموزان. *مجله پژوهش و مطالعات علوم اسلامی*، سال دوم، شماره ۱۳.
- قاسم، م. (۱۳۹۰). *شناختن های تربیت*. تهران: آبیژ.
- کاوی، م. (۱۳۷۹). *درآمدی بر جامعه شناسی آموزش و پرورش*. ترجمه جعفر پوینده، تهران: نقش جهان.
- کول، و. (۱۳۸۹). *برنامه آموزش و پرورش در دوره پیش از دبستان*. ترجمه فرخنده مفیدی، چاپ یازدهم، تهران: سمت.
- کاشانی، م. (۱۳۸۴). *جامعه شناسی آموزش و پرورش*. تهران: پیام نور.
- گیدنز، ا. (۱۳۸۳). *جامعه شناسی*. مترجم منوچهر صبوری، چاپ یازدهم، تهران: نشرنی.
- گلشن فومنی، ر. (۱۳۷۳). *جامعه شناسی آموزش و پرورش*. چاپ دوم، تهران: نشر دوران.
- مایر، ف. (۱۳۹۶). *تاریخ اندیشه های تربیتی*. ترجمه علی اصغر فیاض، جلد اول، چاپ سوم، تهران: سمت.
- میلر، دبلیو و میلر، م. (۱۳۸۶). *راهنمای تدریس در دانشگاه ها*. ترجمه ویدا میری، چاپ چهارم، تهران: سمت.
- معیری، م. ط. (۱۳۸۵). *مسائل آموزش و پرورش*. چاپ هژدهم، تهران: امیرکبیر.